

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ (ص ۱۱۹-۱۴۵)

تبیین نظام مند عوامل روان شناختی مؤثر بر تعهد زناشویی در منابع اسلامی: یک مطالعه کیفی

Systematic Explanation of Psychological Factors Influencing Marital Commitment in Islamic Sources: A Qualitative Study

ک.ح. حسین رضائیان بیلندی / دانشجوی دکتری روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. قم، ایران.

محمدرضا احمدی / دانشیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. قم، ایران.

محمدصادق شجاعی / استادیار روان شناسی گروه اخلاق و تربیت، پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

✉ **Hussein Rezaiyan Bilandi** / PhD Student of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
h.rezaeiyan60@gmail.com

Mohammad Reza Ahmadi / Associate Professor in Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Mohammad Sadeq Shojaie / Assistant Professor of Psychology in Department of Ethics and Education, Research Center of al-Mostafa International University, Qom, Iran
psyalmostafa@gmail.com

Abstract

The aim of this study was to systematically identify and explain the psychological factors influencing marital commitment in Islamic sources. This qualitative research employed content analysis of religious texts. The study population consisted of authentic Islamic sources, including the Holy Qur'an and hadith collections. Data were collected and investigated using two strategies: keyword searches and open-text reading. The data analysis process was conducted in four stages: (1) collecting data systematically from Islamic texts to identify statements and concepts related to marital commitment; (2) immersing in the data and analyzing inferred content using semantic principles; (3) organizing the data and extracting influential factors; and (4) validating the findings through expert judgment and calculating CVR and CVI indices. The findings identified five key psychological factors affecting marital

چکیده

هدف پژوهش، شناسایی و تبیین نظام مند عوامل روان شناختی مؤثر بر تعهد زناشویی در منابع اسلامی بود. این مطالعه کیفی با بهره گیری از روش تحلیل محتوای متون دینی انجام شد. جامعه پژوهش شامل منابع اصیل اسلامی نظیر قرآن کریم و کتب حدیثی بود. داده ها از طریق دو راهبرد جست و جوی واژگانی و متن خوانی باز استخراج شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. فرآیند تحلیل داده ها در چهار مرحله انجام شد: ۱. گردآوری نظام مند داده ها با هدف شناسایی گزاره های مرتبط با عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی؛ ۲. غرقه شدن در داده ها و تحلیل محتوای آن با بهره گیری از اصول معناشناسی؛ ۳ صورت بندی داده ها و استخراج عوامل تأثیرگذار؛ ۴ اعتبارسنجی یافته ها از طریق داوری متخصصان و محاسبه شاخص های CVR و CVI. یافته های پژوهش پنج عامل اصلی مؤثر بر

commitment: innate preparedness (ethnic roots and identity, Shiite believer temperament), personality maturity (existential development and psychological maturity, self-dignity, magnanimity), wisdom (rational thinking and foresight), moral character (benevolence, appreciation, gratitude), and religious commitment (religious orientation, faith-based adherence, belief in divine knowledge, monotheism, and eschatology). However, the factor of innate preparedness was excluded from the final model due to a CVI score below the acceptable threshold. The results showed that the factors influencing marital commitment in Islamic teachings are a multi-dimensional construct that include, in addition to psychological factors, moral and spiritual dimensions. these findings can provide an authentic theoretical foundation for formulating strategies of promoting marital commitment in Islamic societies, contributing to the production of indigenous knowledge in the realm of family psychology.

Key words: Marital Commitment, Psychological Factors, Qualitative Content Analysis, Islamic Sources, Religious Teachings.

تعهد زناشویی را شناسایی کرد: آمادگی سرشتی (ریشه و عرق، سرشت قومیتی، سرشت مؤمن شیعه)، رشدیافتگی شخصیتی (توسعه وجودی، کرامت نفس، مروت)، خردورزی (عقل‌ورزی و عاقبت‌اندیشی)، منش اخلاقی (خیرخواهی، حق‌شناسی، شکرگزاری) و پایبندی مذهبی (جهت‌گیری دینی، التزام ایمانی، باور به علم الهی، توحید ربوبی و معادباوری). باین‌حال، عامل آمادگی سرشتی به دلیل کسب شاخص CVI پایین‌تر از حد مطلوب، از مدل نهایی حذف گردید. نتایج نشان داد که عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در آموزه‌های اسلامی، سازه‌ای چندبعدی است که علاوه بر عوامل روان‌شناختی، ابعاد اخلاقی و معنوی را نیز شامل می‌شود. این یافته‌ها می‌تواند مبنای نظری معتبری برای تدوین راهبردهای ارتقای تعهد زناشویی در جوامع اسلامی فراهم آورد و به تولید دانش بومی در حوزه روان‌شناسی خانواده کمک کند.

کلیدواژه‌ها: تعهد زناشویی، عوامل روان‌شناختی، تحلیل محتوای کیفی، منابع اسلامی، آموزه‌های دینی.

مقدمه

بر اساس نظر متخصصان، ازدواج موفق دارای سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم (اسلام‌زاده، صادقی و اسمعیلی، ۱۳۹۸) و نیز نبود عناصری مانند خشونت و خیانت است (هو، جیانگ و وانگ، ۲۰۱۹). در این میان، تعهد زناشویی به‌عنوان یکی از قوی‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی معرفی شده است (جوهری، شوقی و باباخانلو، ۱۳۹۸؛ هویس و همکاران، ۲۰۰۷؛ موسکو، ۲۰۰۹؛ مچر، ۲۰۱۳). تعهد زناشویی می‌تواند به تنهایی کارکردهای کلی زناشویی را نشان دهد (آماتو، ۲۰۱۳، ص ۵۵) و پس از عامل عشق و صمیمیت، به‌عنوان دومین عامل حفظ‌کننده رابطه زناشویی باشد (راسن گراندون و همکاران، ۲۰۰۴).

تعهد زناشویی در ادبیات روان‌شناختی به‌عنوان یکی از سازه‌های کلیدی در تبیین پایداری و کیفیت روابط زناشویی، مفهومی چندبعدی تلقی می‌شود. این سازه، از یک‌سو ناظر بر نوعی احساس تداوم در

رابطه است که فراتر از نوسانات لحظه‌ای رضایت از زندگی زناشویی عمل می‌کند (نلسون، کیرک، آنه و سیرس، ۲۰۱۳؛ آدامز و جونز، ۱۹۹۷)؛ و از سوی دیگر، نمایانگر ارزشی است که افراد برای حفظ و استمرار پیوند زناشویی قائل‌اند (آماتو، ۲۰۱۳). تعهد در این معنا، به‌مثابه شاخصی از نگرش بلندمدت نسبت به ازدواج، آمادگی برای فداکاری و تلاش آگاهانه برای تقویت اتحاد زناشویی مطرح می‌شود (زارع گاریزی، ابراهیمی‌مقدم و ابوالمعالی‌الحسینی، ۱۳۹۹). در یک سطح مفهومی عمیق‌تر، تعهد زناشویی به‌مثابه تصمیمی آگاهانه و عقلانی درک می‌شود که به‌واسطه آن، فرد خود را ملزم به پایبندی به مجموعه‌ای از الزامات رفتاری و مناسکی می‌داند، و این پایبندی اغلب در پیوندی عاطفی - شناختی به آرمانی مشترک یا برخاسته از الگوهای فرهنگی صورت می‌گیرد (فرشیدمنش، داودی، حیدری و زارع بهرام‌آبادی، ۱۳۹۸).

با توجه به نقش بنیادین تعهد زناشویی در پایداری روابط زوجین، شناسایی عوامل مؤثر بر این سازه، به‌ویژه در بسترهای روان‌شناختی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. در دهه‌های اخیر، نظریه‌پردازان و پژوهشگران حوزه روان‌شناسی تلاش کرده‌اند با تحلیل مؤلفه‌های شناختی، هیجانی، رفتاری و بین‌فردی، پیشایندهای تعهد زناشویی را شناسایی و مدل‌سازی کنند. یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های برجسته در تبیین تعهد زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی زوجین است (واتسون و همکاران، ۲۰۰۰). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که ابعاد شخصیتی، نقشی تعیین‌کننده در سطح پایبندی به تعهدات زناشویی ایفا می‌کنند؛ به‌طوری‌که یافته‌های مطالعه ربیعی و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد تعهد زناشویی بیش از هر عامل دیگری، تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی روان - رنجورخویی، وظیفه - شناسی، و صفت ماکیاولیسم قرار دارند. در همین راستا، صادقی، قادری جاوید و شلانی (۱۳۹۸) دریافتند که روان‌رنجورخویی با مؤلفه اخلاقی تعهد رابطه‌ای مثبت، اما با مؤلفه ساختاری رابطه‌ای منفی دارد؛ درحالی‌که مؤلفه‌های برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی با ساختار تعهد زناشویی همبستگی مثبت و معناداری نشان می‌دهند.

علاوه بر ویژگی‌های پایدار شخصیتی، الگوهای شناختی - هیجانی ناکارآمد همچون طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (EMS) نیز، نقش منفی قابل توجهی بر سطوح مختلف تعهد و پایداری رابطه زناشویی دارند. نتایج پژوهش امیرارجمندی و همکاران (۱۴۰۰) این تأثیر را تأیید می‌کند و مطالعات اخیر (ملک عسگر و همکاران، ۱۳۹۹) نیز، نشان داده‌اند که این طرح‌واره‌ها با افزایش گرایش به خیانت، کاهش وفاداری و تضعیف ثبات رابطه همراه هستند. در همین زمینه، پژوهش احمدزاده اقدم و همکاران (۱۳۹۹) اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر رویکرد طرح‌واره‌درمانی را در ارتقای مؤلفه‌های تعهد زناشویی به‌طور معناداری تأیید کرده است.

در کنار عوامل شخصیتی و شناختی، سبک‌های دلبستگی نیز، از دیگر پیش‌سازهای روان‌شناختی مؤثر بر تعهد زناشویی محسوب می‌شوند. ادبیات نظری و درمانی نشان می‌دهد که پایداری روابط متعهدانه، به‌ویژه در بستر روابط بلندمدت زناشویی، بدون وجود سبک دلبستگی ایمن عملاً امکان‌پذیر نیست (کو، ویلسون و مینیس، ۲۰۱۷). از منظر تجربی نیز، یافته‌های متعددی بر نقش سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در پیش‌بینی تعهد زناشویی دلالت دارند (ظریفی، زارعی و نجارپوریان، ۱۳۹۹). به‌طور خاص، پژوهش محمودپور و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، تعهد شخصی بالاتری نسبت به همسر و نهاد ازدواج نشان می‌دهند. همچنین مطالعه احسان‌نیا رمی و همکاران (۱۳۹۸) بیانگر آن است که سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی سهم معناداری در تبیین واریانس تعهد زناشویی دارند.

فراثر از عوامل روان‌شناختی، متغیرهای معنوی و دینی نیز، به‌عنوان پیش‌بین‌های مؤثر در ارتقای تعهد زناشویی شناسایی شده‌اند. یافته‌های پژوهشی گویای آن است که معنویت، به‌ویژه در قالب سلامت معنوی، با افزایش احساس مسئولیت‌پذیری و درک عمیق‌تر از پیوند زناشویی، تعهد به همسر را تقویت می‌کند (حسینی و همکاران، ۲۰۱۴؛ فینچمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ شیخ‌الاسلامی، خداکریمی و داداش‌زاده، ۱۳۹۶). زوج‌های دین‌دار به دلیل پایبندی بیشتر به ارزش‌های دینی، تمایل بیشتری به حفظ رابطه و اجتناب از طلاق نشان می‌دهند و در مقایسه با زوج‌های کم‌التزام، سطح بالاتری از تعهد را تجربه می‌کنند (اوستین و همکاران، ۲۰۱۸). در مقابل، ضعف در پایبندی مذهبی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش رضایت و افزایش عهدشکنی در روابط زناشویی باشد (صدیقی، معصومی و شاه‌سیاه، ۱۳۹۴). باورهای مذهبی و سبک زندگی دینی، با ارتقای کیفیت ارتباط، کاهش تعارضات و پیشگیری از خیانت، نقش مؤثری در پایداری پیوند زناشویی ایفا می‌کنند (امان و همکاران، ۲۰۲۱). افزون بر این، زوج‌های دارای گرایش مذهبی، در مدیریت تعارضات و حفظ روابط زوجی نیز، عملکرد مطلوب‌تری از خود نشان می‌دهند (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۶).

در کنار یافته‌های روان‌شناختی که تعهد زناشویی را پدیده‌ای چندعاملی و متأثر از مؤلفه‌های شخصیتی، هیجانی، شناختی و معنوی معرفی می‌کنند، آموزه‌های اسلامی نیز، با نگاهی هستی‌شناختی و ارزشی، این سازه را در جایگاهی والاتر و کل‌نگران‌تر تبیین کرده‌اند. در منابع وحیانی، ازدواج صرفاً کنشی زیستی یا قرارداد اجتماعی تلقی نمی‌شود، بلکه پیوندی مقدس و مستحکم معرفی می‌شود که از آن با تعبیر «میثاق غلیظ» یاد شده است (نساء: ۲۱). این تعبیر دلالت بر نوعی عهد محکم و الزام‌آور دارد که بنیان آن نه صرفاً بر منافع فردی، بلکه بر اصول اخلاقی، معنوی و مسئولیت‌های الهی استوار است. همچنین در آیه‌های دیگر، نهاد خانواده کانونی برای تحقق سکونت، مؤدت و رحمت توصیف شده

است (روم: ۲۱) که به روشنی ابعاد چندلایه تعهد زناشویی در منظومه معرفتی اسلام را نمایان می‌سازد. در تقابل با رهیافت‌های تقلیل‌گرایانه سکولار که عمدتاً به ابعاد لذت‌گرایانه و قراردادی رابطه توجه دارند، نگرش اسلامی تعهد را امری فراتر از الزامات حقوقی دانسته و آن را به مسئولیتی اخلاقی، توحیدی و الهی نسبت داده است که به استحکام ساختار خانواده و تعالی روان‌شناختی زوجین می‌انجامد. با استناد به مبانی وحیانی شماری از مطالعات نظام‌مند، تلاش‌هایی در جهت مدل‌سازی مفهومی تعهد زناشویی در چارچوب معرفتی اسلام صورت گرفته است. در این راستا، پژوهش رضائیان بیلندی و همکاران (۱۴۰۳) با بهره‌گیری از تحلیل محتوای منابع دینی، مدلی مفهومی از تعهد زناشویی ارائه داده است که مبتنی بر پنج مؤلفه کلیدی است. بر پایه این منظومه مفهومی، تعهد زناشویی در نظام معرفتی اسلام، سازه‌ای پویا، چندبعدی و مبتنی بر نگرش توحیدی تلقی می‌شود که از طریق درهم‌تنیدگی مؤلفه‌های معنوی، اخلاقی و رفتاری، به بازتعریف رابطه زوجین در مسیر عبودیت الهی منتهی می‌گردد. این پژوهش در جمع‌بندی نهایی تعهد زناشویی در منابع اسلامی را چنین صورت‌بندی کرده است: «پایبندی پایدار همسران در خودمراقبتی و حمایتگری زوجینی بر پایه نگرش الهی».

با توجه به تأکید گسترده آموزه‌های اسلامی بر قداست رابطه زوجین، پایبندی به تعهد زناشویی نه تنها یک الزام اخلاقی، بلکه ضرورتی دینی برای صیانت از ساختار خانواده محسوب می‌شود. از این منظر، شناخت عوامل مؤثر می‌تواند تصویری روشن‌تر از بنیان‌های تقویت یا تضعیف تعهد در چارچوب دینی ارائه دهد. در همین راستا، شماری از پژوهش‌ها با رویکرد تحلیلی به منابع اسلامی، به واکاوی عوامل زمینه‌ساز عهدشکنی در روابط زناشویی پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، نرگسی، جدیری و هادی (۱۳۹۸) در یک مطالعه با استناد به قرآن کریم و متون روایی به بررسی عوامل زمینه‌ساز روابط فرزندناشویی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که عوامل در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل دسته‌بندی‌اند. عوامل فردی شامل ضعف در ایمان، عقیف نبودن، بی‌غیرتی، تجربه روابط نامشروع، پیروی از دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام، می‌گساری و موسیقی حرام‌اند؛ عوامل خانوادگی عبارت‌اند از: بدبینی و غیرت نابجا، نارضایتی جنسی و نارضایتی عاطفی؛ و عوامل اجتماعی شامل خیانت به دیگران و هم‌نشینی با افراد خیانت‌کار است.

در تداوم همین رویکرد و بر اساس یافته‌های مطالعه عرب‌پور، مهکام و ابوترابی (۱۴۰۲)، مؤلفه‌های بازدارنده از خیانت در منابع اسلامی در چهار محور اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: «مدیریت بینش» به‌عنوان سازوکار اصلاح نگرش‌ها و باورهای شناختی زوجین؛ «مدیریت ارضا» که ناظر بر پاسخ‌دهی صحیح به نیازهای مشروع عاطفی و جنسی درون رابطه زناشویی است؛ «مدیریت حریم» به معنای رعایت حدود و مرزهای اخلاقی و اجتماعی با افراد خارج از رابطه زوجی؛ و در نهایت «مهارگری» که بر

توانایی در کنترل امیال، اجتناب از موقعیت‌های وسوسه‌برانگیز و حفظ تقوای عملی تأکید دارد. همچنین زارعی توپخانه، جعفری، زهیری هاشم‌آبادی و چراغیان (۱۴۰۲) در پژوهشی با تحلیل محتوای منابع اسلامی، ۳۳ مقوله اصلی مؤثر بر پیمان‌شکنی را شناسایی و در قالب دو عامل فردی و ارتباطی طبقه‌بندی کرده‌اند. در میان مؤلفه‌های فردی، عواملی نظیر ضعف قوه عقلانی، ضعف پایبندی مذهبی، ضعف خویش‌داری، تنوع‌طلبی و تغذیه نامشروع برجسته‌اند. در بُعد ارتباطی نیز، مؤلفه‌هایی چون ضعف تکیه گاهی مردان، ابهام در مرزهای درون‌خانوادگی، اختلاط ناسالم و پوشش نامناسب به‌عنوان زمینه‌های تهدیدکننده تعهد زناشویی معرفی شده‌اند.

مرور انتقادی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات مرتبط، متمرکز بر ابعاد آسیب‌شناسانه بوده و به ندرت رویکردی پیشگیرانه و ایجابی مبتنی بر تقویت و ارتقای تعهد زناشویی اتخاذ شده است. افزون بر این، بیشتر پژوهش‌های موجود با محدود ساختن دامنه تحلیل به مصادیق آشکار پیمان‌شکنی همچون خیانت جنسی و عاطفی، سایر ابعاد اخلاقی، شناختی، معنوی و ساختاری را مورد غفلت قرار داده‌اند. همچنین در بخش قابل توجهی از این آثار، مدل‌سازی نظری و تحلیل روان‌شناختی عوامل مؤثر یا فاقد انسجام نظام‌مند بوده یا به نحو کافی توسعه نیافته است. فقدان یک چارچوب مفهومی که بتواند با بهره‌گیری از روش‌شناسی کیفی و تحلیل نظام‌مند متون دینی، عوامل روان‌شناختی مؤثر بر تعهد زناشویی را در بستر معرفتی اسلام به‌طور یکپارچه تبیین کند، همچنان به‌عنوان یک خلأ بنیادی در حوزه مطالعات خانواده با رویکرد اسلامی باقی است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف رفع این کاستی‌ها و پاسخ به ضرورت نظری و علمی موجود، به تبیین نظام‌مند عوامل روان‌شناختی مؤثر بر تعهد زناشویی در منابع اسلامی بر اساس یک مطالعه کیفی می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹) انجام شده است. این روش به دلیل ماهیت متنی و استنباطی منابع اسلامی، برای کشف و تبیین دقیق مفاهیم و عوامل تأثیرگذار بر تعهد زناشویی مناسب است. تحلیل کیفی محتوای متون دینی با تأکید بر پردازش فعال متن، پژوهشگر را قادر می‌سازد تا با بررسی عمیق و دقیق داده‌ها به استخراج عوامل بنیادین و کارکردی مرتبط با موضوع پژوهش بپردازد.

در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع معتبر اسلامی شامل قرآن کریم، متون حدیثی مانند اصول کافی، میزان الحکمه، بحارالانوار و تفاسیر معتبر نظیر المیزان، تسنیم و نمونه، داده‌های مرتبط گردآوری شدند. همچنین برای دستیابی به جامعیت و دقت در گردآوری داده‌ها از دو راهبرد جست‌وجوی واژگانی

و متن خوانی باز استفاده شد. در راهبرد جست‌وجوی واژگانی، کلیدواژه‌هایی چون عهد، وفی، وثق، بعل، خون و نقض به صورت جداگانه و به صورت ترکیبی با ریشه لغات زوج، نکاح، امرأه در نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور (نسخه ۳.۵) و سایر پایگاه‌های متنی معتبر اسلامی بررسی شد. در راهبرد متن‌خوانی باز نیز، متن کامل قرآن و برخی منابع حدیثی به طور دقیق مطالعه و مفاهیم مرتبط با تعهد زناشویی شناسایی شدند. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند و بر اساس ارتباط مستقیم محتوا با هدف پژوهش انجام شد. این روش به پژوهشگر امکان داد تا با تمرکز بر محتوای غنی و مرتبط، به استخراج دقیق عوامل تأثیرگذار بر تعهد زناشویی بپردازد.

در مرحله تحلیل، پژوهشگر با غوطه‌ور شدن در متن و انجام تحلیل‌های توصیفی و تحلیلی، به بررسی عمیق مستندات استخراج‌شده پرداخت. تحلیل توصیفی شامل بازشناسی معنای ظاهری واژه‌ها و گزاره‌ها با تکیه بر منابع لغوی و تفسیری بود؛ درحالی‌که تحلیل معنایی به کشف لایه‌های پنهان و معانی عمیق متون اختصاص داشت. در این مرحله از اصول معناشناسی چون هم‌معنایی، تقابل معنایی و شمول معنایی برای تحلیل دقیق داده‌ها استفاده شد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳).

به منظور اعتبارسنجی یافته‌ها، از دو روش کیفی و کمی بهره گرفته شد. در روش کیفی، یافته‌ها با بازبینی دقیق پژوهشگر و داوری ۹ نفر از متخصصان حوزه روان‌شناسی و مطالعات اسلامی بررسی شدند. در روش کمی، از شاخص‌های نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) برای سنجش میزان انطباق یافته‌ها با مفاهیم دینی و روان‌شناسی استفاده شد. این شاخص‌ها بر اساس مقیاس لیکرت و مطابق با توصیه‌های لاوشه (۱۹۷۵) و لین (۱۹۸۶) محاسبه شدند. مقادیر به‌دست‌آمده حاکی از روایی و اعتبار بالای داده‌های استخراج‌شده بود.

یافته‌های پژوهش

با جست‌وجوی واژگانی و مطالعه «متن باز» منابع اسلامی، حدود ۵۰۰ مورد مرتبط با عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی به‌دست آمد که پس از غربالگری سندی و محتوایی در نهایت به ۳۴۹ مورد رسید؛ سپس بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی متون دینی ۸۰۰ برداشت اولیه، ۳۴۹ محتوای استنباطی مرتبه اول و ۵۵ محتوای استنباطی نهایی به‌دست آمد؛ در ادامه و با رفت و برگشت‌های پژوهشگر و مصاحبه با کارشناسان و همچنین ارزیابی روایی محتوا، ۱۶ عامل مؤثر بر تعهد زناشویی در پنج عامل اصلی تنظیم و نهایی شد. در جدول (۱) برخی از مستندات، محتوای استنباطی و عوامل مؤثر تعهد زناشویی ارائه شده است.

جدول ۱: برخی از مستندات، محتوای استنباطی و عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی

ابعاد	عوامل	محتوای استنباطی	آدرس مستند
	ریشه و عرق	ریشه و عرقی که دعوت به بی‌وفایی می‌کند منع از ازدواج با ارحامی که بی‌وفایی دارند معرفی برخی مناطق در روایات به ویژگی سرشتی بر غیر وفا	(علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۶). (علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۹۳). (الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۱۰، ص ۶۴۷).
آمادگی سرشتی	سرشت قومیتی	عفت‌ورزی مردان و زنان فلان قوم / نهی از ازدواج با فلان قوم به خاطر بی‌عفتی و خیانت سرشت و شخصیت یک قبیله و گروه بر وفا / الگو و قالب شخصیتی قومی بر وفاداری	(الکافی، ج ۵، ص ۵۵۴) (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۶).
	سرشت مؤمن شیعه	سرشت مؤمن با خیانت‌ورزی جمع نمی‌شود مؤمن بر کذب و خیانت خلق نشده است. ذات و گل مؤمنان اکتساب اطاعت‌ها و کارهای نیک است. طینت شیعه مؤمن از زنا دور است. شیعه از زنا به دنیا نمی‌آید و به زنا فرزند نمی‌آورد	(الإختصاص، ج ۱، ص ۲۳۱). (علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۰۹). (بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۳). (الإختصاص، ج ۱، ص ۲۱۹).
	توسعه وجودی	توسعه وجودی انگیزه و عامل تعهد (تعبیر از هریک از زوجین به «بعض» از یک کل) پختگی و رشد یافتگی جزء آمادگی‌های اولیه برای قبول تعهد تنگ نظری، بخل‌ورزی و خودمحوری مانع پابندی زناشویی انتظار تعهد زناشویی با برانگیختگی هویت «مایی» زوجین رمز تزلزل زناشویی، شح و حرص شخصی رشدیافتگی و ثبات موجب حفظ امانت و تعهد زناشویی	(نساء: ۲۱) (قصص: ۲۶) (نساء: ۱۲۸) (تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ج ۱، ص ۱۵). (تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ج ۱، ص ۱۵)
رشدیافتگی شخصیتی	ارزش وجودی	کرامت نفس موجب وفا / از آثار و نشانه‌های کریم وفاداری خواری و پستی شهوت در نظر کریم عمل به وعده از مجد و بزرگواری نشئت می‌گیرد کراهت از شر و زشت شماری طلاق موجب تعهد و پابندی تقابل کرامت و لثیم / پستی و فرومایگی مانع وفا پستی و فرومایگی موجب خیانت و عهدشکنی	(نهج البلاغه، ج ۱، ص ۵۵۵) (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۴) (علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۳) (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۵۷) (نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۴۷۲) (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۴)
	مروت	جوانمرد: دروغ نگفتن و خلف وعده نکردن کامل شدن مروت و جوانمردی با وفای به وعده جوانمردی موجب وفا و پستی موجب نقص و بهانه جوانمردی موجب تعهد و پابندی به ذوالارحام شرافت و جوانمردی علت رعایت حقوق دیگران از جمله همسر کمی وفاداری به خاطر نقص در مروت است	(الخصال، ج ۱، ص ۱۶۲) (عیون الحکم، ج ۱، ص ۶۵) (معانی الأخبار، ج ۱، ص ۲۵۷) (مقصد الراغب، ص ۱۶۱)

ابعاد	عوامل	محتوای استنباطی	آدرس مستند
خردورزی	عقل‌ورزی	عقل صحیح و سالم، انسان را وفادار می‌سازد وفای به عهد از آثار خرد و عقل است عقل‌ورزی موجب عفت و صیانت و پایداری از نشانه‌های عاقل اطمینان به وفای اوست جهل موجب خیانت در راز / از نشانه‌های جاهل افشای راز جهل‌ورزی مانع تعهد زناشویی و موجب خیانت	﴿زُعد: ۲۰﴾ (علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۳) (علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۳) (الخصال، ج ۱، ص ۱۱۶) (تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، النص، ص ۱۹) (الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۲۶)
	عاقبت‌اندیشی	ترس از بی‌عدالتی در آینده عامل پایبندی به تعهد زناشویی (عدالت شرط تحصیلی است نه حصولی) پیشگیری از انحراف عامل تعهد به یک همسر خودداری از زنان مردم به خاطر حفظ عفت همسر خود توجه به عاقبت حتمی زنا یا عفت / توجه دادن به نتیجه وضعی آینده‌نگری / عاقبت‌اندیشی / جهت‌گیری به آینده /	(نساء: ۳) ﴿ (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۴۹، ح ۱۵۷۱) (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۱) (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۱)
منش اخلاقی	خیرخواهی	پَر و نیکی را در ضمن معرفی پَر و نیکان تعریف و معنا می‌کند تا هم مفهوم پَر را بیان کرده باشد و هم مصداق آن وفای مستمر و همیشگی کامل به عهد و نذر از اوصاف ابرار توجه به خیر کثیر در زن انگیزه وفاداری مرد خیرخواهی و اصلاح‌طلبی عامل توافق و پایبندی زوجین وفاداری و کم نگذاشتن برای شما بهتر است، کم نگذارید تا به خیر برسید	﴿بقره: ۱۷۷﴾ ﴿انسان: ۷﴾ ﴿نساء: ۱۹﴾ ﴿نساء: ۳۵﴾ ﴿هود: ۸۴﴾ اعراف: ۸۵ ﴿
	بزرگ‌شماری	بزرگ شمردن وفای به عهد / حکمی بین‌المللی تعلیل به جهت ضرورت تعهد سبک شمردن امانت موجب خیانت / نگرش رفتار‌ساز است بی‌اعتنایی و بی‌اهمیتی به عهد موجب فروافتادن در پیمان‌شکنی کوچک‌شماری امانت عامل اولیه برای عهدشکنی تعهد به حقوق به خاطر حق‌شناسی و بهره‌مندی از زنان	(تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ص ۲۴۳) (نهج البلاغه (للصحنی صالح)، ص ۳۸۳) (بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۷۲، ح ۱۳) (مستدرک الوسائل: ج ۱۴، ص ۲۵۲، ح ۱۶۶۲۷)
قدردانی	یادآوری فضای مهر و محبت‌انگیزه برای تعهد توجه و یادآوری نعمت عامل تعهد و نگهداری بدون ضرر پایبندی به حقوق زن به خاطر قدردانی و شکرگزاری توجه به زحمات و تلاش‌های زن برای شما زن نفس و وجود خود را داده است توجه به اشتراک نفس / سرمایه‌گذاری وجودی شکرگزاری موجب برانگیختگی وفا	﴿نساء: ۲۱﴾ ﴿بقره: ۳۳۱﴾ (مستدرک الوسائل: ج ۱۴، ص ۲۵۲، ح ۱۶۶۲۷) (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۳۵۰) (عیون الحکم، ج ۱، ص ۲۹۱)	

ابعاد	عوامل	محتوای استنباطی	آدرس مستند
	جهتگیری دینی	دین‌داری عامل امانت‌داری و وفای به عهد وفاداری به عهد برخواسته از دین‌داری لازمه اسلام وفای به شروط / مذهب عامل پایبندی به شروط مسلمان از عهد و شروط خود جدا نیست اعتقاد قلبی و عمل لازم است / مسلمان وفای عهد می‌کند دین‌داری و اسلام موجب وفا / زیور اسلام وفای به عهد پایبندی مسلمان موجب وفای به عهد و شرط بین همسران	(کافی ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۶۰۷ (تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۲، ص ۲۲۶) (الخصال، ج ۱، ص ۱۷۵) (تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۶۸) (کافی ط - دار الحدیث)، ج ۲، ص ۷۳۸ (کافی ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۱۱۸)
پایبندی مذهبی	التزام ایمانی	ایمان می‌طلبد که به پیمان وفادار باشید حفظ و صیانت از لوازم ایمان مقتضای ایمان این است که مؤمن را به حفظ و نگهداری خود از غیر همسر و ادار سازد غیرت از ایمان برمی‌آید تعلیل وفای به شرط با همسر به خاطر ایمان اخلاق مؤمن عامل دوری از خلف وعده و خیانت در امانت ایمان به خدا و روز قیامت مانع از خودنمایی برای غیر ایمان و زنا با هم جمع نمی‌شوند	﴿مائده: ۱﴾ ﴿مؤمنون: ۸﴾ ﴿مؤمنون: ۵﴾ (من لا یحضره الفقیه: ج ۳، ص ۴۴۴، ج ۱، ص ۴۵۴) (تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۷۱) (أعلام الدین، ج ۱، ص ۱۱۸) (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸) (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۴۸، ج ۱، ص ۱۵۷۰)
	باور به علم الهی	توجه به علم خدا عامل و انگیزه دوری از ضرر به همسر خدا آگاهی موجب تعهد زناشویی و ادای حقوق همسر کسی که خود را در محضر خدا بداند، از ظلم پرهیز می‌کند و کالت الهی موجب پایبندی و ثبات زناشویی توجه به شاهد بودن خداوند عامل وفاداری و پایبندی به تعهد مالی	﴿بقره: ۲۳۱﴾ (قصص: ۲۸) ﴿احزاب: ۵۲﴾ ﴿نساء: ۳۳﴾
	توحید ربوبی	توجه به برتری خداوند عامل تعهد زناشویی عرفان جمال الهی و رویت برهان مانع از گناه خیانت فقط از خدا ترسیدن و نه غیر موجب وفاداری عباد رحمان کسانی هستند که هیچ‌گاه زنا نمی‌کنند / بندگی خدا مانع از نزدیکی به زنا	﴿نساء: ۳۴﴾ ﴿یوسف: ۲۴﴾ ﴿بقره: ۴۰﴾ ﴿فرقان: ۶۸﴾
	معادباوری	معادباوری عامل تقوای خانوادگی یادآوری معاد هم از کم‌فروشی و کم‌کاری بازدارنده است / ترس از عذاب عامل وفاداری و کم نگذاشتن اعتقاد به معاد حتی در حد گمان بازدارنده است وفای به عهد سپری نگهدارنده از عذاب از وفای به عهد یا نقض آن سؤال می‌شود مورد سؤال قرار گرفتن عهد در قیامت انگیزه برای متعهد ماندن	﴿تحریم: ۶﴾ ﴿هود: ۸۴﴾ ﴿مطففین: ۱-۴﴾ (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸) (نهج البلاغه فیض الإسلام)، ج ۱، ص ۱۲۷ ﴿اسراء: ۳۴﴾

همان‌گونه که در جدول (۱) ارائه گردید، عوامل استخراج‌شده مؤثر بر تعهد زناشویی شامل شانزده عامل جزئی است که در قالب پنج عامل اصلی آمادگی سرشتی، رشدیافتگی شخصیتی، خردورزی، منش اخلاقی و پایبندی مذهبی دسته‌بندی و تدوین شده است که در ادامه، به‌صورت توصیفی و نظام‌مند تبیین می‌گردند.

۱. آمادگی سرشتی

آمادگی سرشتی، از تعامل و هم‌افزایی سه عامل اصلی «ریشه و عرق»، «شخصیت قومیتی» و «سرشت مؤمن شیعه» تشکیل شده است و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تقویت تعهد زناشویی دارد. «ریشه و عرق» در ادبیات اسلامی به زمینه‌های سرشتی و خانوادگی افراد اشاره دارد و در منابع معتبر دینی، عاملی تأثیرگذار بر رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، از جمله وفاداری و پایبندی در روابط زناشویی شناخته شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۱۲). در همین زمینه، پیامبر اکرم ﷺ نسبت به نقش پیشینه‌های خانوادگی در شکل‌گیری رفتار زوجین هشدار داده‌اند و برخی اقوام را به دلیل زمینه‌های نامناسب سرشتی، مستعد بی‌وفایی معرفی کرده‌اند^۱ (ابن‌بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۹۳)؛ همچنین روایات دیگری نیز به تأثیر منفی سرشت و ریشه خانوادگی برخی اقوام مانند «خوزیان» و «نبطیان» در نقض تعهد اشاره دارند^۲ (ابن‌بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۶۶).

عامل «شخصیت قومیتی» نیز، به ویژگی‌های سرشتی و اخلاقی اقوام و جوامع اشاره دارد که رفتارهای خانوادگی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. مطابق منابع روایی، برخی اقوام به دلیل برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی خاص، زمینه مناسبی برای شکل‌گیری عفت و پاک‌دامنی دارند؛ از این‌رو ازدواج با آنان توصیه شده است؛ درحالی‌که پیوند با اقوامی که زمینه انحراف اخلاقی دارند، مورد نهی قرار گرفته است^۳ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۵۴). سرشت مؤمن شیعه به ویژگی‌های ذاتی و اخلاقی اشاره دارد که در ذات افراد به‌عنوان پیروان واقعی اهل‌بیت ﷺ نهادینه شده است. در متون اسلامی، این سرشت به طینتی پاک و الهی نسبت داده شده که انسان را به انجام اعمال صالح و پرهیز از گناهان سوق می‌دهد. از این منظر، سرشت مؤمن شیعه نه‌تنها با خیانت و دروغ‌ناسازگار است^۴، بلکه به‌طور فعال عامل تقویت تعهدات اخلاقی و اجتماعی، به‌ویژه در زندگی زناشویی محسوب می‌شود.

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَلَا تَسَاكِنُوا الْخَوْزَ وَلَا تَزَوَّجُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّ لَهُمْ عِرْقًا يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ غَيْرِ الْوَفَاءِ»

۲. «قَالَ يَا هِشَامُ النَّبِطُ لَيْسَ مِنَ الْعَرَبِ وَلَا مِنَ الْعَجَمِ فَلَا تَتَّخِذْ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا فَإِنَّ لَهُمْ أَسْوَلاً تَدْعُوا إِلَىٰ غَيْرِ الْوَفَاءِ»

۳. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَزَوَّجُوا إِلَىٰ آلِ فُلَانٍ فَإِنَّهُمْ عَفْوًا فَعَمَّتْ نِسَاؤُهُمْ وَلَا تَزَوَّجُوا إِلَىٰ آلِ فُلَانٍ فَإِنَّهُمْ بَغْوًا قَبِئَتْ نِسَاؤُهُمْ»

۴. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: يَكُونُ الْمُؤْمِنُ بَخِيلًا قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْتُ فَيَكُونُ جَبَانًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَيَكُونُ كَذَابًا قَالَ لَا وَلَا جَافِيًا ثُمَّ قَالَ يُجْبِلُ الْمُؤْمِنَ عَلَىٰ كُلِّ طَبِيعَةٍ إِلَّا الْخِيَانَةَ وَالْكَذِبَ»

در منابع روایی به صراحت بیان شده است که سرشت مؤمن با خیانت و دروغ‌گویی ناسازگار است؛ حتی اگر مؤمن دارای برخی ضعف‌های اخلاقی باشد، سرشت پاک وی مانع از ورود به گناهان بزرگ می‌گردد^۱ (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۱). روایات تصریح دارند که سرشت خالص شیعیان آنها را از ارتباط با آلودگی‌ها و گناهان بزرگ محافظت کرده و مستقیماً موجب تقویت وفاداری و تعهد در روابط زناشویی می‌گردد^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۲۳). در مقابل، افرادی با سرشت ناپاک، به واسطه زمینه‌های ذاتی، به خیانت و اعمال غیراخلاقی گرایش بیشتری نشان می‌دهند؛ بنابراین در منابع اسلامی تأکید بسیاری بر انتخاب همسرانی با پیشینه اخلاقی سالم و سرشتی پاک صورت شده است^۳ (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱۹).

۲. رشدیافتگی شخصیتی

رشدیافتگی به مفهوم تکامل فردی و اجتماعی اشاره دارد که از تعامل عناصر کلیدی همچون «توسعه وجودی و پختگی روانی»، «ارزش وجودی و کرامت نفس» و «مروت و جوانمردی» شکل می‌گیرد. این سازه از منظر روان‌شناسی اسلامی، فرآیندی چندبعدی و پویاست که ظرفیت‌های اخلاقی و روانی فرد را به سمت تعهد عمیق در زندگی زناشویی هدایت می‌کند.

عامل نخست، «توسعه وجودی و پختگی روانی» به معنای ارتقای ظرفیت‌های ذهنی و عاطفی زوجین در راستای شکل‌گیری روابط عمیق‌تر و پایدارتر است. قرآن کریم با اشاره به عمق روابط زناشویی، این رابطه را فراتر از تماس جسمانی دانسته و با عبارت «أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ» به ورود زن و مرد به حریم وجودی یکدیگر اشاره دارد (نساء: ۲۱). این تعبیر، نشانگر درهم‌آمیختگی عاطفی و روان‌شناختی زوجین است که آنان را به اجزایی مکمل و متعهد به یکدیگر بدل می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۸، ص ۱۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۲۴). تعهد زناشویی تنها به قدرت جسمی وابسته نیست، بلکه نیازمند ویژگی‌های روان‌شناختی مثبت نظیر رشدیافتگی ذهنی و عاطفی است. ویژگی‌هایی مانند متانت و وقار به‌عنوان شاخص‌های پختگی روانی در افزایش تعهد زناشویی مؤثر هستند و از بحران‌هایی چون خودمحوری و شح نفس (نساء: ۱۲۸) که زمینه تضعیف روابط هستند، پیشگیری می‌کنند (قرائتی، ۱۳۸۸).

۱. «قَالَ ﷺ: لَا يُخْلَقُ عَلَى الْكُذْبِ وَلَا عَلَى الْخِيَانَةِ وَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا صَنَعَ بِالطَّيْتَيْنِ قَالَ مَزَجَ بَيْنَهُمَا بِالْمَاءِ الْأَوَّلِ وَالْمَاءِ الثَّانِي ثُمَّ عَرَكَهَا عَرَكَ الْأَدِيمِ... فَمَا رَأَيْتُهُ مِنْ شَيْعَتِنَا مِنْ زَنَا أَوْ لَوَاطِمٍ... فَهُوَ مِنْ طَبِئَةِ النَّاصِبِ وَعَنْصَرُهُ الَّذِي قَدْ مَزَجَ فِيهِ لِأَنَّ مِنْ سِنَخِ النَّاصِبِ وَعَنْصَرِهِ وَطَبِئَتِهِ اكْتِسَابَ الْمَأْتِمِ وَالْفَوَاحِشِ وَالْكَبَائِرِ وَمَا رَأَيْتُ مِنَ النَّاصِبِ»

۲. «عَنِ الصَّادِقِ ﷺ: أَنْ اللَّهُ أَعَادَ شَيْعَتَنَا مِنْ أَنْ يَلِدُوا مِنَ الزَّنَا أَوْ يُولَدَ لَهُمْ مِنَ الزَّنَا»

۳. «ثُمَّ قَالَ ﷺ: إِنَّ لَوْلِدِ الزَّنَا أَعْلَامَاتٍ أَحَدُهَا بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَثَانِيهَا أَنْ يَجُنَّ إِلَى الْحَرَامِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ»

کرامت نفس که از مفاهیم بنیادین در آموزه‌های اسلامی است، به معنای سخاوت، شرافت، عزت و ارجمندی تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۶؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۰۳؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۶). کرامت نفس، فرد را به کنترل تمایلات و دوری از رفتارهایی سوق می‌دهد که تعهدات زناشویی را نقض می‌کنند. در متون اسلامی تأکید شده که کرامت انسانی زیربنای وفاداری و پابندی به تعهدات است و نقشی اساسی در کاهش رفتارهایی مانند خیانت دارد^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۵۵؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۴؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۷). در مقابل، پستی و لثامت نفس نقش مخربی بر روابط زناشویی دارد. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هیچ کس زنان را گرمی نمی‌دارد، مگر آنکه خود انسان کریمی باشد، و هیچ کس به آنان اهانت نمی‌کند، مگر آنکه فرومایه باشد»^۲ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۷۲).

عامل سوم در این بعد، «مروت و جوانمردی» ناظر به فضائل اخلاقی و پابندی به آداب پسندیده انسانی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۱). این ویژگی اخلاقی که در برخی منابع به‌عنوان «کمال مردانگی» شناخته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۱۹)، مستقیماً در ایجاد و تقویت تعهد و وفاداری نقش دارد و جایگاه فرد را در خانواده مستحکم می‌سازد^۳ (ابن‌بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۹۲). کاهش وفاداری و نقض عهد نشانه‌ای از نقص در مروت است؛ زیرا مروت و جوانمردی اساساً با وفای به عهد و تعهد اخلاقی تعریف می‌شود و فرد جوانمرد رفتارهایی مغایر با این فضیلت را بر نمی‌تابد^۴ (حلوانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۵).

۳. خردورزی

خردورزی به‌عنوان عامل بنیادین در تعهد زناشویی، بر دو عامل کلیدی «عقل‌ورزی» و «عاقبت‌اندیشی» استوار است. از منظر آموزه‌های اسلامی، عقل و خرد نقشی محوری در تصمیم‌گیری صحیح، پابندی به عهد و پیشگیری از انحراف و خیانت در روابط زناشویی دارند. عامل نخست، «عقل‌ورزی» به نیروی شناختی تشخیص خیر از شر و حق از باطل اشاره دارد. عقل از دیدگاه اسلامی، فرد را به انتخاب‌های صحیح هدایت می‌کند و مانع از انجام رفتارهای ناپسند و خیانت‌آمیز می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۱۴). قرآن کریم در این زمینه به‌صراحت بیان می‌کند که صاحبان خرد

۱. «يَتَّعَبُ مِنْ كَرَاهَةِ الشَّرِّ - حَسُنَ الْأَمَانَةُ وَتَرَكَ الْخِيَانَةَ وَاجْتَنَبَ السُّوءَ وَتَحَصَّنَ الْقُرْحَ»

۲. «مَا أكرمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَثِيمٌ»

۳. «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أُوجِبْنَ لَهُ أَرْبَعًا عَلَى النَّاسِ مِنْ... وَإِدَا وَعَدَهُمْ لَمْ يُخْلِفْهُمْ وَجَبَ أَنْ تَظْهَرَ فِي النَّاسِ عَدْلَتُهُ وَتَظْهَرَ فِيهِمْ مَرُوءَتُهُ وَأَنْ تَحْرَمَ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ وَأَنْ تَحِبَّ عَلَيْهِمْ أُخُوَّتُهُ»

۴. «وَقَالَ ﷺ: قَلَّةٌ الْوَفَاءُ عَيْبٌ بِالْمَرُوءَةِ»

کسانی هستند که به عهدهای خود پایبند بوده و پیمان‌ها را نمی‌شکنند^۱ (رعد: ۲۰). همچنین در منابع روایی بر این امر تأکید شده است که وفای به عهد از نشانه‌های^۲ آشکار خردورزی است^۳ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۳) و فرد عاقل در روابط انسانی، به‌ویژه روابط زناشویی، همواره قابل اعتماد و متعهد است و از خیانت دوری می‌کند^۴ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۶). در مقابل، افرادی که فاقد عقل و خرد کافی هستند، توانایی شناخت حقایق و عمل به اصول اخلاقی و دینی را ندارند و بیشتر به رفتارهای غیرمتعهدانه تمایل پیدا می‌کنند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۴۰).

عامل دوم در این جنبه، «عاقبت‌اندیشی» به معنای توجه به پیامدهای آینده اعمال و رفتار است. در متون دینی، عاقبت‌اندیشی به‌عنوان عامل بازدارنده از رفتارهای غیراخلاقی و پیمان‌شکنانه مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال، در کلامی قدسی خطاب به موسی^۵، ضمن هشدار نسبت به پیامدهای منفی زنا، تأکید شده است که رفتار انسان تأثیر مستقیمی بر آینده خود و خانواده‌اش دارد؛ چنان‌که پاک‌دامنی فرد منجر به عفت خانواده او می‌شود و انحراف او نیز به نسل بعدی سرایت می‌کند^۶ (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۴۹). همچنین در روایتی دیگر، اصل «کما تدین تدان»^۷ به این معنا که رفتارهای هر فرد به خودش باز خواهد گشت، بر اهمیت خودداری از تعدی به حقوق دیگران و پایبندی به عهد و عفت در زندگی زناشویی تأکید دارد^۸ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۱). قرآن کریم نیز عدالت را به‌عنوان شرط اساسی و تعلیلی در روابط زناشویی و عاملی بازدارنده از رفتارهای غیرمتعهدانه معرفی کرده و تأکید دارد که ترس از عدم رعایت عدالت در آینده که خود نوعی عاقبت‌اندیشی است، باید فرد را به محدودیت در انتخاب همسر سوق دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۷، ص ۲۴۳).

۴. منش اخلاقی

منش اخلاقی با ابعاد مختلفی همچون خیرخواهی، حق‌شناسی و شکرگزاری، چارچوبی برای رفتار مسئولانه و اخلاقی در روابط زناشویی فراهم می‌آورد که نقش مهمی در افزایش تعهد زناشویی دارد. آیه ۱۷۷ سوره بقره در تعریفی جامع از «بر» و نیکوکاری، بر بعد اخلاقی نیکی تأکید می‌کند. در این آیه،

۱. «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ»

۲. «فَمِنْ أَخْلَاقِ الْعَقْلِ عَشْرَةٌ أَخْلَاقٌ صَالِحَةٌ... وَالْعَفَافُ وَالصَّيَانَةُ وَالْحَيَاءُ»

۳. «وَالْأَمَانَةُ وَصِدَّتُهَا الْحَيَاةُ... وَفَلَا تَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ أَوْ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ»

۴. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) الرِّجَالُ ثَلَاثَةٌ عَاقِلٌ وَأَحْمَقٌ وَفَاجِرٌ فَالْعَاقِلُ... وَإِنْ اطْمَأَنَّ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَفَى»

۵. «يَا مُوسَى إِنَّهُ بَنَى إِسْرَائِيلَ عَنِ الرَّئِي فَيَأْتِيهِ مِنْ رَتِي رَتِي بِهِ أَوْ بِالْعَقِبِ مِنْ بَعْدِهِ يَا مُوسَى عِفَّ بَعْفٌ أَهْلَكَ يَا مُوسَى إِنَّ أَرْدْتَ أَنْ يَكْثَرَ خَيْرٌ بَيْنَكَ فَإِيَّاكَ وَالرَّتِي يَا مُوسَى بِنَ عِمْرَانَ كَمَا تَدِينُ تَدَانُ»

۶. «قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةٌ عَلَى عَهْدِ دَاوُدَ (ع) يَأْتِيهَا رَجُلٌ يَسْتَكْرِهَهَا عَلَى نَفْسِهَا فَالْتَقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهَا فَقَالَتْ لَهُ إِنَّكَ لَا تَأْتِينِي مَرَّةً إِلَّا وَعِنْدَ أَهْلِكَ مِنْ يَأْتِيهِمْ قَالَ فَذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ فَوَجَدَ عِنْدَ أَهْلِهِ رَجُلًا... قُلْ لَهُ»

نیکوکاری به ایمان به خدا، روز قیامت، پیامبران و کتاب‌های آسمانی، و همچنین انجام اعمالی همچون کمک به نیازمندان، پرداخت زکات، اقامه نماز و وفای به عهد گره خورده است.^۱ عبارت «وَلَكِنَّ الْبِرَّ...» در این آیه نشان می‌دهد که خیرخواهی و نیکوکاری نقش مهمی در تقویت تعهد و وفاداری ایفا می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۲). این آیه نیکی را از یک مفهوم نظری صرف فراتر برده و آن را به مصادیق واقعی و عملی تبدیل کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۴۹). وفای به عهد و نذر یکی از ویژگی‌های برجسته ابرار است که در قرآن کریم به آن تصریح شده است (انسان: ۷). این ویژگی در زندگی ابرار یک رفتار مستمر و دائمی است؛ چراکه فعل «یوفون» در قالب مضارع به کار رفته و به استمرار دلالت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۳۵۲). همچنین قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره نساء^۲ بر لزوم خیرخواهی در تعامل با زنان، حتی در شرایط فقدان جذابیت ظاهری تأکید دارد و خیر کثیر در زنان مؤمن را زمینه‌ساز حفظ تعهد می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۸، ص ۱۶۲). خیرخواهی از دیدگاه قرآن عاملی است که انسان را به رعایت عدالت و حفظ حقوق دیگران سوق می‌دهد. این ویژگی پایه‌ای برای برقراری نظم اجتماعی، استحکام روابط خانوادگی و تقویت تعهد زناشویی به‌شمار می‌آید.

امام علی^{علیه السلام} با تأکید بر جایگاه والای وفای به عهد، آن را عاملی برای اتحاد و جلوگیری از پراکندگی دانسته و می‌فرماید: «هیچ‌یک از فرائض الهی همچون وفای به عهد نمی‌تواند در میان مردم با وجود اختلاف باورها وحدت ایجاد کند» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۳). در این نگاه پایبندی به حقوق و پیمان‌ها، مایه تعالی اخلاق فردی و نشانه بزرگواری است (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۵۹)، و در مقابل، کوچک‌شماری تعهدات و بی‌توجهی به امانت‌داری، عامل اصلی در پیمان‌شکنی و فروپاشی اخلاقی جامعه تلقی می‌شود. در روابط زناشویی نیز حق‌شناسی و توجه به حقوق شریک زندگی از جایگاهی ویژه برخوردار است. رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله} با اشاره به اهمیت نقش زنان در زندگی مشترک می‌فرماید: «از زنان بهره می‌برید و با آنان پیوندی عمیق برقرار می‌کنید، آنان با تحمل رنج بارداری و زایمان، ثمرات زندگی را برایتان به ارمغان می‌آورند؛ پس قدرشان را بدانید و با مهربانی دل‌هایشان را شاد کنید» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲). این کلام بر اهمیت حق‌شناسی و رعایت حقوق زنان تأکید کرده و آن را عاملی اساسی در استحکام روابط خانوادگی معرفی می‌کند.

عامل سوم، شکرگزاری و قدردانی از منظر قرآن کریم، عامل استحکام رابطه زناشویی است. آیه ۲۱ سوره نساء^۳ با یادآوری پیوند عمیق عاطفی و جسمی میان همسران، این رابطه را امانتی الهی دانسته

۱. «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ... وَالْمُؤْمِنُونَ يَعْهَدُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا»

۲. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»

۳. «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْتُمْ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»

است که نیازمند احترام و شکرگزاری است؛ همچنین دعوت زوجین به رعایت انصاف و ترک کینه‌توزی و یادآوری نعمت‌های مشترک میان آنها می‌تواند رابطه را حفظ کند (بقره: ۱۳۱). در منابع روایی نیز، شکرگزاری زبانی و رفتاری به‌عنوان یک صفت اخلاقی مؤثر در تقویت محبت و کاهش اختلافات زناشویی معرفی شده است^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹۱؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۶). از سوی دیگر، در روایات اشاره شده است که مردان باید به خاطر نقش زنان در زندگی مشترک و زحماتی که متحمل می‌شوند، با مهربانی و شکرگزاری به آنها پاسخ دهند^۲ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲). علاوه بر این، فداکاری زنان در روابط زناشویی به نوعی سرمایه‌گذاری وجودی است که بیانگر این است که زنان با اهدای وجود خود در این رابطه، استحقاق دریافت محبت و قدردانی را دارند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۳۵۰).

۵. پایبندی مذهبی

پایبندی مذهبی به‌عنوان نیرویی درونی و عامل هدایت‌کننده اخلاقی، نقش مهمی در شکل‌دهی و تقویت تعهدات زناشویی ایفا می‌کند. این عامل در تعامل با ابعاد مختلف خود همچون جهت‌گیری دینی، التزام ایمانی، باور به علم و نظارت الهی، توحید ربوبی و معادباوری، ساختاری معنوی برای پایداری روابط خانوادگی فراهم می‌آورد. جهت‌گیری دینی عاملی اساسی در تعهد و وفاداری است. افرادی که دارای جهت‌گیری دینی هستند، تعهد بیشتری به مسئولیت‌های خود دارند^۴ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۶۰۷). بر اساس منابع اسلامی کسی که وفادار و پایبند به تعهدات نیست، در واقع دین ندارد؛ چراکه وفاداری به عهدها ناشی از دین‌داری است^۵ (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۲۶). علاوه بر این، جهت‌گیری دینی بر عملکرد عملی تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که صرفاً بیان زبانی تعهد کافی نیست. در این زمینه در روایات آمده است که: «مسلمان کسی است که به عهدی که به خدا سپرده وفادار باشد و میان زبان و عمل او تناقضی نباشد»^۶ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۷۳۸). این نگاه تعهد زناشویی را نه‌تنها به‌عنوان یک مسئولیت قانونی، بلکه به‌عنوان یک رفتار عملی و صادقانه مطرح می‌کند.

۱. «شُكْرٌ لِلرَّاضِي عَنْكَ بِزَيْدٍ رَضِيَ وَوَقَّاءٌ».

۲. «فَإِنَّ لَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَاجِبًا لَمَّا اسْتَحْلَلْتُمْ مِنْ أَجْسَامِهِنَّ وَبِمَا وَاسَلْتُمْ مِنْ أَيْدِيهِنَّ وَيَحْمِلْنَ أَوْلَادَكُمْ فِي أَحْسَنِهِنَّ».

۳. «الْمَرْأَةُ بَائِعَةٌ نَفْسَهَا وَالرَّجُلُ مُشْتَرٍ وَلَا يَكُونُ الْبَيْعُ بِلاَ ثَمَنِ».

۴. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: إِنَّ لَأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ... يُعْرَفُونَ بِهَا: صِدْقَ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ، وَوَقَّاءَ بِالْعَهْدِ، وَصَلَةَ الْأَرْحَامِ».

۵. «عَنْهُ قَالَ: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ».

۶. «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَانَ يَقُولُ مَنْ شَرَطَ لِمَرْأَتِهِ شَرْطًا فَلَيْفَ لَهَا بِهِ فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ إِلَّا شَرْطًا حَرَمَ حَلَالًا أَوْ أَحَلَ حَرَامًا».

عامل بعدی التزام ایمانی، به مفهوم پایبندی عملی به اصول و تعهدات دینی است. قرآن کریم وفای به عهد را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مؤمنان مطرح کرده و خطاب به آنان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به عهدها وفا کنید»^۱ (مائده: ۱). در این آیه واژه «عقود» به معنای تمامی تعهدات و پیمان‌های انسانی، از جمله پیمان‌های زناشویی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۵۷). پایبندی به عهد از دیدگاه روایات اسلامی، نشانه کمال ایمان و عامل اساسی در پیشگیری از خیانت و خلف وعده است^۲ (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۱۸). افزون بر این، آموزه‌های دینی، پاک‌دامنی را بخشی از تعهدات ایمانی معرفی کرده و تأکید دارند که انحرافات اخلاقی همچون زنا، نشانه‌ای از ضعف ایمان و تزلزل است^۳ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۹۴)، و زناکار در حین ارتکاب گناه از روح ایمان محروم می‌شود و تنها با توبه ایمان به او بازمی‌گردد (علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۳۷؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۴۸).

عامل سوم، باور به علم و نظارت الهی نقش مهمی در پیشگیری از پیمان‌شکنی و تقویت وفاداری در روابط زناشویی دارد. در آیات مربوط به طلاق^۴ (بقره: ۲۳۱) خداوند ضمن تأکید بر اهمیت رعایت انصاف در برخورد با همسر و پرهیز از رفتارهای آسیب‌زننده، در انتهای آیه یادآور می‌شود که ایمان به علم الهی و آگاهی از اینکه خداوند از تمام اعمال آگاه است، ضروری است. این آگاهی از حضور عاملی تأثیرگذار در ایجاد انگیزه برای رفتار منصفانه و پرهیز از ضرر رساندن به همسر است. خداوند در این آیات به زوجین یادآوری می‌کند که تصمیمات آنها در چارچوب تقوا و آگاهی از نظارت الهی باشد تا تعهدات زناشویی و حقوق همدیگر به‌درستی رعایت شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷۷). همچنین در داستان حضرت موسی علیه السلام گواه گرفتن خداوند در عقد ازدواج با دختر شعیب، نشان‌دهنده نقش نظارت الهی در تصمیم وفاداری و مسئولیت‌پذیری در روابط است^۵ (قصص: ۲۸). این باور، با ایجاد احساس حضور دائمی خداوند، افراد را ملزم به رعایت حقوق همسر و پرهیز از ظلم و خیانت می‌کند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۸۳).

عامل بعدی، توحید ربوبی زمینه‌ساز عدالت، رعایت حقوق و پایبندی به اصول اخلاقی در زندگی مشترک است. قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره نساء^۶ انسان را به رعایت تقوا و پرهیز از ظلم به همسران، با یادآوری عظمت و بزرگی خداوند دعوت می‌کند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۳). این آگاهی، فرد را از ظلم و زیاده‌خواهی بازمی‌دارد و پایبندی به تعهدات زناشویی را تقویت می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۸).

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مَجْلِيِّ الصَّيْدِ»

۲. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مِنْ آدَابِ الْمُؤْمِنِ حِفْظُ الْأَمَانَةِ... وَالْحَيَاءِ وَالسَّخَاءِ وَالْعِفَّةِ... وَالصَّدْقِ وَالْوَفَاءِ»

۳. «وَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الرَّزِي إِلاَّ هَذِهِ الْآيَةُ: فَأَيُّهَا مِنَ النَّظَرِ»

۴. «وَإِذَا طَلَّقْتُمْ... وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

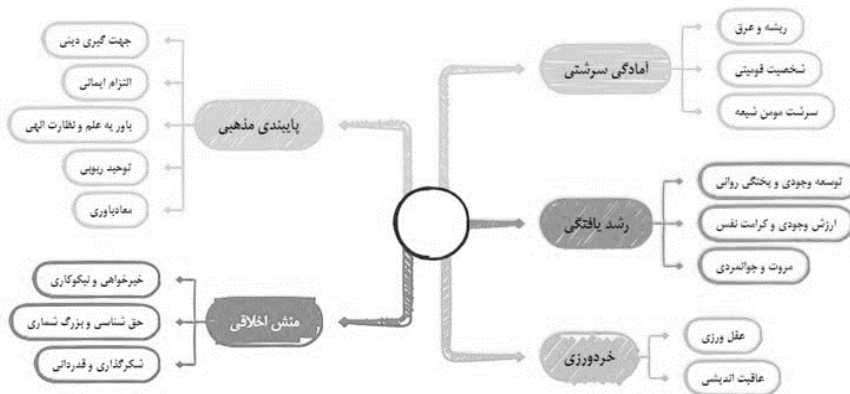
۵. «قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَيلٌ»

۶. «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فِطْرُهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنَّ أَطْنَقَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا»

قرآن همچنین در بیان صفات «عبادالرحمن» می‌فرماید: «وَأَن تَأْتِيَهُمُ الرِّجَالُ بَعْدَ مَا نَسُوا حَلَّتْ عَلَيْهِمْ سَلْطَةُ رَبِّهِمْ لَنَتَّبِعُنَّ مَا نَهَى رَبُّنَا وَنَتَّقُوهُ أَذْنًا نَّصِيغَةً لِّرَبِّنَا» (فرقان: ۶۸)، و با این بیان، پیوند بندگی خداوند و حفظ سلامت اخلاقی در روابط زناشویی را آشکار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۴).

عامل پنجم، معادباوری عاملی بازدارنده از نقض تعهدات و مشوقی برای رعایت حقوق متقابل در زندگی خانوادگی است. در آیه ۶ سوره تحریم^۲ مسئولیت انسان در قبال خود و خانواده در پرتو باور به معاد و عواقب اعمال در آخرت تبیین شده است (قزائنی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۳۰). همچنین قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره اسراء^۳ نقض عهد را نه تنها مسئولیتی دنیوی، بلکه امری مورد بازخواست در قیامت معرفی می‌کند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۶۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲). باور به معاد و یاد مرگ، با دور کردن انسان از تعلقات دنیوی (عنکبوت: ۶۴) و توجه به سرنوشت اخروی، فرد را به سوی تقوا^۴ (بقره: ۲۲۳)، آرامش روانی و پایداری در روابط زناشویی سوق می‌دهد (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ق، ج ۱، ص ۱۲۷).

پس از تحلیل عمیق عوامل و مستندات مرتبط با آن در آموزه‌های اسلامی، مدل نموداری ذیل به‌عنوان چارچوبی برای عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی ارائه می‌شود. این سازه، حاصل تعامل پویای پنج عامل کلیدی است که هر یک با ابعاد و زیرعوامل‌های مرتبط، به شکل‌گیری، تقویت و پایداری تعهد زناشویی کمک می‌کنند. پایبندی مذهبی به‌عنوان محور این ساختار، تمامی عوامل دیگر را در مسیری معنوی و اخلاقی هدایت می‌کند. این عوامل در نمودار (۱) به‌وضوح نمایش داده شده است.



نمودار ۱: نمای کلی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در منابع اسلامی

۱. «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا»
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»
۳. «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»
۴. «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»

نتایج و ارزیابی‌های روایی محتوایی هر یک از عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در منابع اسلامی در قالب جداول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص و نسبت روایی محتوایی عوامل تعهد زناشویی

شاخص	آمادگی سرشتی	رشد یافتگی شخصیتی	خردورزی	منش اخلاقی	پایبندی مذهبی
بوامل با مضمون و محتوای استنباطی مطابقت دارد؟	۳/۵۶	۳/۸۹	۴/۰۰	۳/۸۹	۴/۰۰
آیا تعریف ارائه شده با عامل مطابقت دارد؟	۳/۵۶	۳/۸۹	۴/۰۰	۳/۸۹	۴/۰۰
آیا عوامل با موضوع پژوهش مطابقت دارد؟	۳/۵۶	۳/۸۹	۴/۰۰	۳/۸۹	۴/۰۰
آیا عوامل برای موضوع پژوهش ضرورت دارد؟	۳/۵۶	۳/۸۹	۴/۰۰	۳/۸۹	۴/۰۰

جدول ۳: شاخص و نسبت روایی ارزیابی ضرورت عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی

عوامل	عوامل	تعداد کارشناسان موافق		تعداد کارشناسان مخالف	
		کاملاً مرتبط	مرتبط	نسبتاً مرتبط	غیر مرتبط
سرشتی	ریشه و عرق	۳	۳	۲	۱
	سرشت قومیتی	۵	۳	۱	-
	سرشت مومن شیعه	۳	۴	۱	۱
رشدیافتگی	توسعه وجودی	۷	۲	-	-
	ارزش وجودی	۷	۲	-	-
خردورزی	مروت و جوانمردی	۸	۱	-	-
	عقل ورزی	۷	۲	-	-
	عاقبت اندیشی	۸	۱	-	-
منش اخلاقی	خیرخواهی	۷	۲	-	-
	بزرگ شماری	۷	۲	-	-
پایبندی مذهبی	قدردانی	۸	۱	-	-
	جهت گیری دینی	۸	۱	-	-
	التزام ایمانی	۸	۱	-	-
	باور به علم الهی	۷	۲	-	-
	توحید ربوبی	۸	۱	-	-
	معادباوری	۸	۱	-	-

نتایج نشان داد که چهار عامل رشدیافتگی شخصیتی، خردورزی، منش اخلاقی و پایبندی مذهبی از روایی لازم برخوردار بوده و دارای شاخص CVI بالاتر از ۰/۸۰ بودند. باین‌حال، آمادگی سرشتی به دلیل کسب شاخص CVI پایین‌تر از ۰/۷۹، به‌عنوان عاملی نامعتبر شناخته شد و از مدل نهایی حذف گردید. نتایج این ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که چهار عامل مؤثر بر تعهد زناشویی در منابع اسلامی از

انطباق محتوایی و اعتبار لازم برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان پایه‌های نظری و عملی پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین نظام‌مند عوامل روان‌شناختی و معنوی مؤثر بر تعهد زناشویی بر اساس آموزه‌های اسلامی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که تعهد زناشویی در منابع اسلامی، مفهومی چندبعدی و پویاست که علاوه بر ابعاد فردی، تحت تأثیر ساختارهای اخلاقی، شناختی و دینی زوجین قرار دارد. این یافته با تأکید بر پنج عامل اصلی شامل آمادگی سرشتی، رشدیافتگی شخصیتی، خردورزی، منش اخلاقی و پایبندی مذهبی، نشان می‌دهد که تعهد زناشویی از منظر آموزه‌های اسلامی صرفاً یک پیمان حقوقی یا قراردادی نیست، بلکه ساختاری پیچیده، درونی و معنوی است که ریشه در نظام معرفتی و ارزشی فرد دارد.

نتایج پژوهش نشان داد که گرچه «آمادگی سرشتی» در متون اسلامی به‌عنوان یک عامل اثرگذار بر کیفیت روابط زناشویی مطرح است، اما در ارزیابی تخصصی و بر اساس شاخص CVI، این مؤلفه به دلیل کسب امتیاز کمتر از حد استاندارد، از مدل نهایی حذف شد. این مسئله از منظر تحلیلی، به تفاوت ماهوی «زمینه» با «عامل» بازمی‌گردد؛ به این معنا که ویژگی‌های سرشتی و خانوادگی فرد، برخلاف مؤلفه‌هایی چون رشد شخصیتی یا منش اخلاقی، واجد نقش زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده هستند، اما به دلیل عدم برخورداری از قابلیت توسعه و تغییرپذیری مستقیم، نمی‌توان آنها را به‌عنوان عوامل فعال و مداخله‌پذیر در تقویت تعهد زناشویی در نظر گرفت. این تبیین با اصول نظری روان‌شناسی تفاوت عوامل علی درونی (مانند ویژگی‌های اکتسابی و شناختی) با شرایط زمینه‌ای هم‌راستا بوده و در آموزه‌های اسلامی نیز تأکید بر رشد اخلاقی، معرفتی و ایمانی، مؤید نقش تعیین‌کننده مؤلفه‌های ارادی و قابل تغییر در تحکیم تعهد زناشویی است؛ درحالی‌که ویژگی‌های سرشتی صرفاً ظرفیت یا بستری بالقوه برای تسهیل این فرایند محسوب می‌شوند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که رشدیافتگی شخصیتی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی، ظرفیت‌های روان‌شناختی، اخلاقی و رفتاری فرد را در مواجهه با چالش‌ها، تعارضات و مسئولیت‌های زناشویی ارتقا می‌دهد. این عامل، در پیوند با سه مؤلفه فرعی شامل «پختگی روانی و توسعه وجودی»، «کرامت نفس و ارزش وجودی» و «مروت و جوانمردی»، نقش اساسی در تقویت ابعاد مختلف تعهد زناشویی ایفا می‌کند. هرچند پژوهش همسویی مبتنی بر منابع اسلامی یافت نشد، اما مطالعات پیشین روان‌شناختی این یافته را تأیید می‌کنند. به‌عنوان نمونه، ربیعی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که ویژگی‌های

شخصیتی نظیر وجدان‌گرایی و توافق‌پذیری، پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی و رضایت زوجین است. همچنین نتایج پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۹۸) حاکی از آن است که ضعف در رشد روان‌شناختی، یکی از زمینه‌های کاهش تعهد و افزایش احتمال ناپایداری روابط زوجین محسوب می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که پختگی روانی، ظرفیت فرد را در مدیریت هیجانات، افزایش خودآگاهی و پذیرش مسئولیت‌های بین‌فردی توسعه می‌بخشد و این سطح از رشد، فرد را قادر می‌سازد تا با عبور از خودمحوری، نیازها و دیدگاه‌های همسر را درک و به آنها احترام بگذارد. همچنین کرامت نفس که در متون اسلامی به‌عنوان شرافت، بزرگواری و عزت معرفی شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۵۹)، عاملی بنیادین برای پابندی به اصول اخلاقی در روابط زناشویی است و فرد را از خیانت، بی‌تعهدی و پیمان‌شکنی باز می‌دارد. مروت و جوانمردی نیز، به‌عنوان بعد عملی رشدیافتگی، با کنترل تمایلات خودخواهانه، فرد را به رعایت انصاف، احترام متقابل و حمایت از شریک زندگی هدایت می‌کند.

در واقع، تعامل پویا میان این سه عامل، سازوکاری منسجم برای تقویت تعهد زناشویی فراهم می‌آورد. پختگی روانی با مدیریت هیجانات و افزایش خودآگاهی، بستر شکل‌گیری کرامت نفس را ایجاد می‌کند. کرامت نفس نیز با تثبیت احساس ارزشمندی و عزت‌مداری، فرد را به رعایت انصاف، عدالت و وفاداری در روابط سوق می‌دهد. این چرخه تعامل، فرد را قادر می‌سازد تا با اتکا بر توانایی‌های روان‌شناختی و اخلاقی، مسئولیت‌های زناشویی خود را با جدیت و التزام اخلاقی پیگیری کند.

تحلیل بعدی این پژوهش، بر عامل خردورزی تأکید دارد. یافته‌ها نشان داد که خردورزی تلفیقی از عقل‌ورزی و عاقبت‌اندیشی است که به فرد کمک می‌کند تا روابط زناشویی خود را بر اساس درک عمیق، تصمیم‌گیری منطقی و توجه به پیامدهای بلندمدت رفتارها تنظیم کند. اهمیت این عامل در مطالعات روان‌شناختی معاصر نیز مورد تأیید قرار گرفته است. برای مثال، آریاگا و آگینو (۲۰۰۱) تعهد زناشویی را مستلزم توانایی درک پیامدهای تصمیمات هیجانی و تلاش آگاهانه برای حفظ رابطه معرفی می‌کنند. آموزه‌های اسلامی عقل را نیرویی هدایتگر معرفی می‌کنند که فرد را به تمایز میان خیر و شر و رعایت اصول اخلاقی سوق می‌دهد (ابن‌بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۳) عقل‌ورزی با تقویت توانایی تحلیل و تصمیم‌گیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در مقابله با تعارضات زناشویی و اتخاذ رویکرد منصفانه و منطقی دارد. بر اساس آیات قرآن، صاحبان عقل کسانی هستند که به عهده‌ها وفا می‌کنند و از خیانت پرهیز دارند (رعد: ۲۰). این ویژگی، در تنظیم هیجانات، حل تعارضات و ایجاد فضایی عادلانه در روابط زناشویی، نقشی محوری دارد. عاقبت‌اندیشی نیز، به‌عنوان بعد دیگر خردورزی، با ارتقای بینش فرد نسبت به پیامدهای بلندمدت رفتارها، او را به اتخاذ تصمیماتی هدایت می‌کند که پایداری، وفاداری و

امنیت عاطفی خانواده را تضمین می‌کند. این تعامل دوسویه میان عقل‌ورزی و عاقبت‌اندیشی، ساختاری منسجم برای تقویت تعهد زناشویی ایجاد می‌کند و زوجین را در برابر چالش‌های روابط مصون می‌سازد. منش اخلاقی به‌عنوان سومین عامل، ساختاری ارزش‌محور را برای روابط زوجین تعریف می‌کند که فراتر از قواعد حقوقی و هنجارهای اجتماعی است. در این پژوهش، مؤلفه‌های خیرخواهی، حق‌شناسی و شکرگزاری به‌عنوان ارکان منش اخلاقی شناسایی شدند که با ایجاد فضایی مبتنی بر احترام، ایثار و قدردانی، رضایت و ثبات روابط زناشویی را تقویت می‌کنند. این یافته از حیث کلی همسو با نتایج مطالعات پیشین است. به‌عنوان مثال، کاپینوس و جانسون (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان دادند که سرمایه‌گذاری هیجانی، همراه با ارزش‌گذاری متقابل، پیش‌بینی‌کننده تعهد بلندمدت زوجین است. خیرخواهی به‌عنوان جوهره اخلاق انسانی، مفهومی فراتر از همدلی و همراهی صرف است. این ویژگی فرد را به گذشت از منافع شخصی و تلاش در جهت آسایش و رفاه همسر هدایت می‌کند. آیه ۱۹ سوره نساء با تأکید بر «خیر کثیر» در روابط زوجین، نشان می‌دهد که حتی در مواقعی که جذابیت‌های اولیه میان همسران کمرنگ می‌شود، خیرخواهی می‌تواند عامل حفظ پیوند زناشویی و جلوگیری از فروپاشی رابطه باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۸، ص ۱۶۲). حق‌شناسی به معنای درک و ارزش‌گذاری بر تعهدات و پیمان‌های اخلاقی و عاطفی، از دیگر مؤلفه‌های اساسی منش اخلاقی است که در تنظیم روابط زناشویی نقشی کلیدی دارد. این ویژگی فرد را به وفای به عهد و پایبندی به حقوق شریک زندگی ترغیب می‌کند و زمینه‌ساز ثبات روان‌شناختی در رابطه می‌شود. شکرگزاری به‌عنوان بازتابی از منش اخلاقی، مستقیماً در تقویت تعهد زناشویی نقش‌آفرین است. این ویژگی که در متون اسلامی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین صفات انسانی معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۹)، احساس تعلق و ارزشمندی را در روابط زناشویی تقویت می‌کند. قدردانی از نقش همسر و زحمات او، به‌ویژه در شرایط سختی و مشکلات، زمینه‌ساز افزایش انگیزه برای پایبندی به تعهدات زناشویی است. در مقابل، بی‌تفاوتی به تلاش‌ها و محبت‌های طرف مقابل، نه تنها به کاهش انگیزه در طرفین منجر می‌شود، بلکه پایه‌های عاطفی رابطه را متزلزل می‌سازد.

تعامل میان خیرخواهی، حق‌شناسی و شکرگزاری، ساختاری منسجم از منش اخلاقی را به وجود می‌آورد که تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی قابل توجهی بر روابط زناشویی دارد. خیرخواهی با ترویج گذشت و ایثار، حس مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند؛ حق‌شناسی با ایجاد حس احترام و اعتماد، پایه‌های اخلاقی رابطه را مستحکم می‌سازد؛ و شکرگزاری با برانگیختن احساس ارزشمندی، انگیزه برای حفظ و تقویت رابطه را افزایش می‌دهد.

پایبندی مذهبی به‌عنوان بنیادین‌ترین عامل شناسایی‌شده در این پژوهش، چارچوبی معنوی برای روابط زوجین ترسیم می‌کند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، پایبندی مذهبی با تلفیق مؤلفه‌هایی چون جهت‌گیری دینی، التزام ایمانی، باور به نظارت الهی، توحید ربوبی و معادباوری، نظامی یکپارچه و اخلاق‌محور را برای تنظیم و تقویت روابط زناشویی ایجاد می‌کند. این نتیجه با دستاوردهای پژوهش‌های پیشین (حسینی و همکاران، ۲۰۱۴؛ فینچمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ شیخ‌الاسلامی، خداکریمی و داداش‌زاده، ۱۳۹۶) که نشان داد زوج‌های دین‌دار به دلیل پایبندی بیشتر به ارزش‌های دینی، تمایل بیشتری به حفظ رابطه و اجتناب از طلاق نشان می‌دهند و در مقایسه با زوج‌های کم‌التزام که سطح بالاتری از تعهد را تجربه می‌کنند (اوستین و همکاران، ۲۰۱۸)، همخوان است.

محتوای استنباطی از آیات و روایات نشان داد که جهت‌گیری دینی به‌عنوان سنگ بنای پایبندی مذهبی، محور جهان‌بینی و سبک زندگی زوجین را بر محور اراده الهی سامان می‌دهد. این جهت‌گیری مفهومی فراتر از گرایش ظاهری به آموزه‌های دینی است و در واقع به معنای تسلیم ارادی در برابر اصول الهی است که تمام شئون زندگی، از جمله روابط زناشویی را دربر می‌گیرد. از منظر آموزه‌های اسلامی، این تسلیم به معنای تعهد عملی به رعایت عدالت، انصاف و وفای به عهد است که خود را در احترام به پیمان ازدواج نشان می‌دهد (مائده: ۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۰۷). التزام ایمانی به‌عنوان سطحی عمیق‌تر از باور دینی، ایمان را از مرحله اعتقاد به مرحله التزام عملی و اخلاقی ارتقا می‌دهد. این التزام نه تنها به معنای تصدیق قلبی باورهای دینی است، بلکه در رفتارهای عملی همچون رعایت امانت‌داری، وفای به عهد و حفظ پاک‌دامنی متجلی می‌شود (مؤمنون: ۸). در روابط زناشویی التزام ایمانی به‌عنوان یک نیروی بازدارنده عمل می‌کند که فرد را از رفتارهای مخربی چون خیانت یا بی‌وفایی بازمی‌دارد. عنصر کلیدی دیگر، باور به علم و نظارت الهی، نظام کنترلی درونی را در فرد تقویت می‌کند که نقشی بنیادی در تعهد زناشویی دارد. اعتقاد به حضور دائمی خداوند به‌عنوان ناظر بر اعمال، حس مسئولیت‌پذیری فرد را ارتقا داده و از رفتارهای غیرمسئولانه جلوگیری می‌کند (نساء: ۳۳؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۷۶). این باور، با ایجاد آگاهی از پیامدهای دنیوی و اخروی رفتارها، فرد را به رعایت حقوق همسر و حفظ حرمت روابط زناشویی سوق می‌دهد (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۱). در نتیجه، باور به نظارت الهی، وفاداری زناشویی را از سطحی صرفاً عاطفی به سطحی متعالی و معنوی ارتقا می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷۷). توحید ربوبی به‌عنوان بُعدی متعالی از پایبندی مذهبی، رابطه انسان با خداوند را در چارچوب عبودیت و تسلیم کامل تعریف می‌کند. این باور که ریشه در اعتقاد به یگانگی و حاکمیت مطلق خداوند دارد، فرد را به رعایت عدالت و وفای به عهد در تمام روابط انسانی، به‌ویژه روابط زناشویی، ملزم می‌سازد. سرانجام معادباوری به‌عنوان مؤلفه‌ای که زمان حال را به آینده‌ای جاودانه پیوند می‌دهد، تعهد زناشویی را به‌عنوان مسئولیتی

الهی و فراتر از الزامات دنیوی تعریف می‌کند. معادباوری فرد را ملزم می‌سازد تا در تمام تصمیمات و رفتارهایش به پیامدهای اخروی توجه داشته باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۳۰). این نگرش حس مسئولیت‌پذیری فرد را تقویت کرده و از کوتاهی در رعایت حقوق همسر جلوگیری می‌کند (هود: ۸۴). بدین ترتیب، معادباوری با تأکید بر پیامدهای بلندمدت رفتارها، فرد را به انتخاب‌هایی سوق می‌دهد که سازگار با اصول اخلاقی و دینی باشد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش هم‌راستا با دیدگاه‌های روان‌شناسی خانواده و آموزه‌های دینی، تأکید می‌کند که تعهد زناشویی، سازه‌ای چندبعدی است که شکل‌گیری و تقویت آن مستلزم رشد روان‌شناختی فرد، تقویت نظام اخلاقی، بهره‌گیری از عقلانیت و نهادینه‌سازی باورهای دینی در زندگی مشترک است. این رویکرد می‌تواند مبنای نظری معتبری برای طراحی مداخلات آموزشی، مشاوره‌ای و بالینی در حوزه ارتقای تعهد و پایداری روابط زناشویی در جوامع اسلامی باشد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. مصحح: یعقوب جعفری. قم: نسیم کوثر.
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام*. تصحیح: آصف فیضی. قم: مؤسسه آل‌البتیة.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. مصحح: علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). *الخصال*. تصحیح: کمره‌ای. تهران: کتابچی.
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰). *علل الشرایع*. ترجمه محمدجواد ذهنی‌تهرانی. قم: مؤمنین.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۷ق). *الأمالی*. قم: بنیاد بعثت.
احسان‌نیا رمی، آتنا؛ حیدری، حسن؛ زارع بهرام‌آبادی، مهدی و داوودی حسین (۱۳۹۸). نقش میانجیگری تمایز‌یافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۷(۴)، ۵۷۴-۵۰۷.
احمدزاده اقدم، ابراهیم؛ کریمی ثانی، پرویز؛ گودرزی، محمود و مرادی، امید (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد طرح‌واره‌درمانی بر سرخوردگی و تعهد زناشویی در زوجین. *روان‌پرستاری*، ۸(۵)، ۱۳-۱.
اسلام‌زاده، بابک؛ صادقی، فاطمه و اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۸). تحلیل کیفی عوامل بازدارنده از روابط فرازناشویی در زوجین متأهل. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۸(۱)، ۹۵-۸۳.

امیرارجمندی، زهره السادات؛ جهانگیر، پانته آ و نیکنام، مژگان (۱۴۰۰). تبیین تعهد زناشویی در زنان متأهل بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و مکان کنترل؛ بررسی نقش میانجیگر معنویت. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۲(۳)، ۴۰۹-۳۹۵.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. مصحح: رجائی. قم: دارالکتاب اسلامی.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. تهران: دنیای دانش.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). *تسنیم*. قم: اسراء.

- جوهری، محمدحسین؛ شوقی، بهزاد و باباخانو، اشرف (۱۳۹۷). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر عزت‌نفس جنسی و تعهد زناشویی زوجین با روابط آشفته. *ایده‌های نوین روان‌شناسی*، ۲(۶)، ۱-۱۰.
- حسینی، امین؛ زهراکار، کیانوش؛ داورنیا، رضا؛ شاکرمی، محمد و محمدی، بهناز (۱۳۹۴). رابطه تعهد زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی. *دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۲(۵)، ۷۹۶-۷۸۸.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). *اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیه.
- ربیعی، ناژین؛ کوچک انتظار، رویا؛ قنبری‌پناه، افسانه و کوشکی شیرین (۱۴۰۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر مبنای صفات سه‌گانه تاریخ و پنج عامل بزرگ شخصیت. *علوم روان‌شناختی*، ۲۲(۱۲۶)، ۱۱۲۰-۱۱۰۳.
- رضائیان بیلندی، حسین؛ احمدی، محمدرضا و شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۳). *مدل مفهومی تعهد زناشویی بر اساس منابع اسلامی و ساخت پرسش‌نامه آن*. رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- زارع گاریزی، معصومه؛ ابراهیمی‌مقدم، حسین و ابوالعالی‌الحسینی، خدیجه (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی و صمیمیت با واسطه‌گری تمایز یافتگی خود. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱۴(۱)، ۷۶-۵۵.
- زارعی توپخانه، محمد؛ جعفری، راضیه؛ زهیری هاشم‌آبادی، علی و چراغیان، حدیث (۱۴۰۲). طراحی و ساخت مقیاس زمینه‌یابی پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس اندیشه اسلامی (مقیاس اولیه). *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۹(۱)، ۳۷-۶۳.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴(۲۷)، ۴۱-۷۳.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸(۱۵)، ۳۸-۷.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۳۸۵). *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*. قم: دار الحدیث.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)*. محقق و مصحح: صبحی صالح. قم: هجرت.
- شیخ‌الاسلامی، علی؛ خداکریمی شهلا و داداش‌زاده، مجید (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس رضایت جنسی، سلامت معنوی: نقش میانجی مسئولیت‌پذیری. *دین و سلامت*، ۵(۱)، ۲۱-۳۱.
- صادقی، مسعود، قادری جاوید، سارا و شلانی، بیتا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دل بستگی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان متأهل. *پژوهش در دین و سلامت*، ۵(۳)، ۱۸-۳۱.
- صدیقی، اکرم؛ معصومی، احمد و شاه‌سیاه، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با رضایت زناشویی زوجین شهر قم. *دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۲(۶)، ۹۶۵-۹۷۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. مصححین: محمدجواد بلاغی، هاشم رسولی، محسن امین، فضل‌الله یزدی طباطبایی و احمد رضا. بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- ظریفی، مرزده؛ زارعی، اقبال و نجارپوریان، سمانه (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس هوش هیجانی و سبک‌های دل بستگی با میانجیگری پردازش بین‌فردی در زوجین. *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۸(۲)، ۵۴۵-۵۲۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- عرب‌پور، مهدی؛ مهکام، رضا و ابوترابی، علی (۱۴۰۲). مؤلفه‌های بازدارندگی از خیانت زناشویی بر اساس منابع اسلامی، *روان‌شناسی و دین*، ۱۶(۱)، ۹۷-۱۱۵.

- فاطمی، طیبیه؛ سودانی، منصور و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش آموزه‌های دینی بر تعارضات زناشویی زوج‌ها. *روان‌شناسی اسلامی*، ۳(۶)، ۱۱۸-۱۴۴.
- فرشیدمنش، فروغ؛ داودی، حسین؛ حیدری، حسن و زارع بهرام‌آبادی، مهدی (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی آموزش ذهن آگاهی و درمان هیجان‌مدار بر صمیمیت، تعهد و شادکامی زناشویی زنان با دلزدگی زناشویی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۱(۱)، ۶۷-۵۶.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: الشریف الرضی.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. تصحیح: حسنی بیرجندی. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمودپور، عبدالباسط؛ فرحبخش، کیومرث؛ حسینی، بهرزان و بلوچ‌زاده، الهام (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان بر اساس شیوه‌های دل بستگی، خودشفقتی و تحمل پریشانی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۸(۱)، ۶۵-۸۴.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت، قاهره، لندن: دار الکتب العلمیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*. تصحیح: غفاری و محرمی زرنندی. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- علی بن موسی (۱۴۰۶ق). *الفقه المنسوب للإمام الرضا و المشتهر بفقہ الرضا*. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. تصحیح: حسنی بیرجندی. قم: دار الحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ملک عسگر، سعاده؛ مظاهری، محمدعلی؛ فتی، لادن؛ موتابی، فرشته و حیدری، محمود (۱۳۹۹). دیدگاه طرح‌واره درمانگران نسبت به نقش مؤلفه‌های طرح‌واره‌ای در سبب‌شناسی خیانت زناشویی: یک مطالعه کیفی. *خانواده پژوهی*، ۱۶(۲)، ۱۹۹-۲۱۶.
- نرگسی، علیرضا؛ جدیری، جعفر و هادی، مهدی (۱۳۹۸). عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی بر اساس منابع اسلامی. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۵(۱۰)، ۱۰۲-۱۲۵.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام*. قم: مکتبه الفقیه.
- Adams, J. M. & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177.
- Aman, J., Abbas, J., Lela, U. and Shi, G. (2021). Religious Affiliation, Daily Spirituals, and Private Religious Factors Promote Marital Commitment Among Married Couples: Does Religiosity Help People Amid the COVID-19 Crisis? *Front. Psychol.* 12:657400
- Amato, P. R. (2013). Studying marriage and commitment with survey data. In *Handbook of measurement issues in family research* (p. 53-65). Routledge.
- Arriaga, X. B. Agnew, C. R. (2001). Being committed: affective, cognitive and conative components of relationship commitment. *Personality and social psychology bulletin*, 27, 1190-1203.
- Austin, P., Macdonald, J. & MacLeod, R. (2018). Measuring Spirituality and Religiosity in Clinical Settings: A Scoping Review of Available Instruments. *Religions*, 9(3), 70. <https://doi.org/10.3390/re19030070>
- Finchman, F. D., Beach, S. R., Lambert, N., Stillman, T. & Braithwait, S. (2008). Spiritual behaviors and relationship satisfaction: a critical analysis of the role of prayer. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 27(4), 362-88.

- Haidt, J. & Graham, J. (2007). When morality opposes justice: Conservatives have moral intuitions that liberals may not recognize. *Social Justice Research*, 20, 98-116
- Hou, Y., Jiang, F. & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International journal of psychology*, 54(3), 369-376.
- Kapinus, C. A. & Johnson, M. P. (2003). The Utility of Family Life Cycle as a Theoretical and Empirical Tool Commitment and Family Life-Cycle Stage. *Journal of Family Issues*, 24(2), 155-184.
- Koo, H. P., Wilson, E. K., Minnis, A. M. (2017). A Computerized Family Planning Counseling Aid: A Pilot Study Evaluation of Smart Choices. *Perspect Sex Repro H*, 49(1), 45-53.
- Macher, S. (2013). Social interdependence in close relationships: The actor partner interdependence investment model API-IM. *European Journal of Social Psychology*. 43(1), 84-96.
- Mosko, J. (2009). Commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University
- Nelson, J. A., Kirk, A. M., Ane, P. & Serres, S. A. (2011). Religious and Spiritual Values and moral Commitment in Marriage: Untapped Resources in Couples Counseling? *Journal of Counseling and Values*, 55(2), 228-246
- Rosen- Garandon, J. R., Myers, J. E. & Hattie, J. A. (2004). The relationship between mental characteristic, marital interaction processes and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Developmen*, 82, 58-68.
- Watson, D., Hubbard, B. & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self and partner ratings. *Journal of personality*.;68(3):413-49.